دانا

آنها مجبورند از کرونا نترسند

باری اضافه بر دوش باربرهای بازار

مریم طالشی
گزارش نویس

فرش‌ها را فرز و چابک، جوری که به سن و سالش نمی‌خورد، بلند می‌کند و روی چرخ‌دستی می‌اندازد و بی‌آنکه معطلش کند راه می‌افتد. خیابان باریک است و او راه خودش را میان جمعیتی که به نسبت روزهای کرونایی زیاد و به نسبت شب عید بازار کم است، باز می‌کند. سرعتش زیاد است و به سختی می‌شود به پایش رسید. وقتی به خیابان اصلی می‌رسد، صدای چرخ گاری توی شلوغی خیابان گم می‌شود و صدای خودش هم که دارد تند تند جواب سؤال‌هایم را می‌دهد.

اهل کجایی؟

- نهاوند

از کی اینجا کار می‌کنی؟

- دو سال است که هستم.

چند سال داری؟

- ۵۰

برای به حرف آوردنش باید سراغ موضوعی رفت. چه چیزی داغ‌تر از کرونا. چرا ماسک نزدی؟ نمی‌ترسی کرونا بگیری؟ مرد که نامش غلامعلی است، نه تعجب می‌کند و نه عکس‌العمل خاصی از خودش نشان می‌دهد. فقط می‌گوید نه و به راهش ادامه می‌دهد.

تقریباً دارم دنبالش می‌دوم که می‌پرسم اینجا برای کسی اتفاقی نیفتاده؟ منظورم بین باربرهای بازار است. مرد این بار واکنش نشان می‌دهد: «چرا، آن طرف خیابان خیام شنیدم که یکی گرفته. شاگرد مغازه است. می‌گفتند حالش خیلی بد بوده. نمی‌دانم حالا چی بوده ولی همین مریضی بوده حتماً.»

غلامعلی نه ماسک زده نه دستکش دارد. اصلاً به‌نظرش خنده‌دار است که بخواهد با ماسک و دستکش کار کند. دستت را می‌شویی و ضدعفونی می‌کنی؟ می‌گوید: «نه» پاسخش همین‌قدر شفاف و روشن است. سابقه بیماری کلیوی هم دارد اما از کرونا نمی‌ترسد. شاید موضوع را خیلی جدی نگرفته. شاید هم برایش خیلی اهمیت ندارد. زن و بچه‌اش تهران نیستند. توی روستا هستند و او قرار نیست عید پیش شان برگردد. بازار خراب است و آنقدر که باید، کار نکرده و دلش نیست دست خالی پیش زن و بچه‌اش برود.

هر باری که می‌بری چقدر می‌گیری؟

- ۱۰ تومان.

بعد ادامه می‌دهد: «مردم که برای خرید می‌آیند، این روزها بیشتر می‌دهند. روی حساب عیدی و اینکه بازار کساد است. دل شان هم می‌سوزد لابد. خیلی هم عقب می‌ایستند، می‌ترسند از ما مریضی بگیرند.»

بر خیابان خیام، روبه‌روی راسته چرخ خیاطی فروش‌ها، کنار هم روی چرخ دستی‌هایشان نشسته‌اند. بین ۵۰ تا ۶۰ سال سن دارند. یکی‌شان که مسن‌تر از بقیه به‌نظر می‌رسد، ماسک زده و از پشت ماسک با بقیه صحبت می‌کند. از اینکه کسی وارد بحث شان شود، استقبال می‌کنند. «کار خوابیده. الان اگر این وضع نبود، اینجا نمی‌توانستی راه بروی.» این را یکی‌شان می‌گوید. کت و شلوار مستعملی پوشیده و زیر کت، یک جلیقه بافتنی تنش کرده.

> بر خیابان خیام، روبه روی راسته چرخ خیاطی فروش‌ها، کنار هم روی چرخ دستی‌هایشان نشسته‌اند. بین ۵۰ تا ۶۰ سال سن دارند. یکی‌شان که مسن‌تر از بقیه به‌نظر می‌رسد، ماسک زده و از پشت ماسک با بقیه صحبت می‌کند. می‌گویم چرا برنمی‌گردید شهرستان؟ اینجا توی این شلوغی خطرناک است برایتان. یکی‌شان می‌گوید همه جا خطر دارد. حالا من از اینجا بگیرم هم بروم شهرستان به بقیه سرایت می‌دهم بعدش هم چاره چیست؛ باید خرج زندگی را درآورد الان هم که کار نیست

۶۳ ساله است و اهل همدان. کشاورز است و زمستان برای کار می‌آید بازار تهران. الان که کار هم نیست، چرا برنمی‌گردید شهرستان؟ اینجا توی این شلوغی خطرناک است برایتان. این را من می‌گویم و مرد جواب می‌دهد: «همه جا خطر دارد دیگر. حالا من از اینجا بگیرم هم بروم شهرستان به بقیه سرایت می‌دهم بعدش هم چاره چیست؛ باید خرج زندگی را درآورد. من اگر خیالم راحت باشد که نمی‌آیم توی این سن باربری کنم. به خدا اولش خیلی خجالت می‌کشیدم. می‌ترسیدم آشنایی ببیند و برود بگوید فلانی رفته تهران باربر شده. حالا ولی دیگر عادت کرده‌ام.»

او از مریض شدن نگران است اما به گفته خودش اگر قسمتش نباشد، چیزی نمی‌شود: «آمدم با دستکش پلاستیکی کار کنم اما دستم عرق می‌کند و سر می‌خورد، سخت است ولش کردم. حالا کار هم نیست.»

نفر بعدی، همان که با ماسک روی گاری نشسته، اهل ایلام است. یک دستمال چهارخانه دور دستش بسته. دستمال را باز می‌کند و جلوی چشمم می‌گیرد: «من با همین کار می‌کنم. اگر این را نبندم، کف دستم از بین می‌رود. الان که ویروس آمده، هر شب تمیز می‌شویمش. همین جلوی میکروب را می‌گیرد. خدا را شکر که تا حالا مریض نشده‌ام. از این به بعد هم خدا کمک می‌کند. ما بدنمان مقاوم است ولی مراقب هم هستم. الان که رفت و آمد کم شده. کسی خیلی نزدیک هم نمی‌شود. می‌گویند هوا گرم بشود، درست می‌شود. الان که خدا را شکر، دارد گرم می‌شود. آفتاب خوب است.»

نفر بعدی خیلی حال و حوصله حرف زدن ندارد. دو روز است هیچی دشت نکرده و می‌ترسد روزهای بعدی هم به همین منوال بگذرد. توی پیاده رو، کنار ساندویچی کوچک، پسری درحال آب ریختن توی پیاده روست. البته خیلی زود متوجه می‌شوم آب را با وایتکس یا تمیزکننده‌ای مشابه مخلوط کرده چون بوی تندی از آن به مشام می‌رسد. شاگرد مغازه‌ای است که داخلش یک نفر دارد به ساندویچ گاز می‌زند و با توجه به اینکه سر ظهر است و موقع ناهار، نشان می‌دهد که کاملاً متأثر از کروناست. شما از ماسک و دستکش استفاده نمی‌کنید؟ پسر کمی جا می‌خورد و بعد پوزخند می‌زند: «شما ماسک پیدا کن بعد بگو چرا استفاده نمی‌کنی. البته من دنبالش هم نبوده‌ام چون دائم رعایت می‌کنم و دست‌هایم را می‌شویم. توی مغازه هم رعایت می‌کنیم. بعضی‌ها می‌آیند و غذا می‌خورند و اصلاً یک آب خالی هم به دست شان نمی‌زنند. انگار مثل قبل است و کرونا هم نیامده. برای بعضی‌ها اصلاً چیزی فرق نکرده، به همان روال سابق ادامه می‌دهند. حالا یا خیلی شجاع هستند یا بی‌خیال. به یکی دو نفر تذکر دادم که اول دست شان را بشویند بعد غذا بخورند اما بهشان برخورد. من هم دیگر چیزی نگفتم چون همین چند تا مشتری هم از دستمان می‌رود. چهارپایه‌های بیرون را کامل جمع کرده‌ایم. اینجا موقع ناهار غلغله می‌شد. الان گفته‌اند بیرون صندلی نچینید. اگر نگویند هم آنقدر مشتری نیست که لازم باشد بیرون بنشینند.»

پسر کمی مکث می‌کند و ادامه می‌دهد: «الان بروید بعد چهارراه ببینید چطور بساط دستفروش‌ها به راه است و مردم هم انگار نه انگار که اینقدر قضیه جدی است. دارند بی‌خیال توی پیاده‌رو قدم می‌زنند و خرید می‌کنند.»

حق با اوست. بعضی‌ها البته ماسک زده‌اند اما بیشتر کسانی که مشغول چک و چانه زدن با دستفروش‌ها و خرید کردن هستند، بدون ماسک‌اند. دستفروش‌ها هم البته به گفته خودشان کارشان خیلی کساد شده و اگر شب عید عادی بود، نباید اینجوری می‌بود. «ما هم دلمان می‌خواهد در خانه بمانیم و مریض نشویم اما همین دوزار را هم نمی‌توانیم کاسب شویم.»

مردی که این را می‌گوید، کیف زنانه بساط کرده. کیف‌ها را از دانه‌ای ۲۵ تا ۴۰ هزار تومان می‌دهد و با وجود این، از صبح تا حالا دو تا کیف فروخته که به گفته خودش سود زیادی هم ندارد: «پارسال همین موقع، بعضی روزها تمام باری را که می‌آوردم تمام می‌شد. الان مردمی که اینجا می‌بینید اصلاً خریدار نیستند. حوصله‌شان سر رفته و آمده‌اند بازار یک چرخی بزنند.»

عجیب به نظر می‌رسد که در این شرایط کسی برای چرخ زدن از خانه خارج شده باشد اما در ظاهر عابران که دقیق می‌شوم، فکر می‌کنم چندان حرف بیراهی هم نیست. زنی دست دختر کوچکش را گرفته و دختر دارد به یک بامیه بلند که تا نصفه در نایلون است، گاز می‌زند. مردی سرفه‌کنان از کنارشان می‌گذرد و زن هراسان می‌شود. خوراکی بچه را می‌گیرد و توی سطل می‌اندازد. صدای گریه دختر در شلوغی خیابان گم می‌شود.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۳۴۲

آسان

۶	۱	۴		۹	۲			
					۶			۴
۷	۲				۳	۶		۱
		۲						
۸	۹	۵				۴	۳	۷
۴						۲		
۹		۱		۶			۵	۳
۳				۷			۴	
			۸	۳		۱	۶	۹

متوسط

			۴			۶	۲	
		۳						
			۲	۸		۹		۱
		۷		۹		۸		۳
	۳		۱		۷		۶	
۹		۱		۳		۴		
۴		۸		۷	۶			
						۳		
	۹	۶			۱			

سخت

۴				۱	۵			
			۷			۱		۶
۸	۱	۳						۵
				۲		۳	۴	
		۲				۹		
۵	۷			۴				
۶						۳	۲	۹
۷		۴		۳				
			۶	۹				۷

خیلی سخت

۷	۸	۵	۹					
						۹	۷	
	۹	۱				۵		
۳				۱	۶	۴		
		۸	۴	۲				۵
	۶					۳	۸	
	۴	۹						
					۱	۶	۲	۹

حل جدول سودوکو شماره ۳۳۴۲

آسان

۶	۱	۴	۲	۹	۵	۳	۸	۷
۵	۳	۸	۶	۷	۴	۱	۹	۲
۷	۲	۹	۳	۸	۱	۶	۴	۵
۴	۶	۳	۵	۱	۷	۸	۲	۹
۸	۹	۵	۴	۲	۳	۷	۱	۶
۱	۷	۲	۹	۶	۸	۵	۳	۴
۹	۵	۶	۱	۴	۲	۳	۷	۸
۳	۴	۷	۸	۵	۹	۲	۶	۱
۲	۸	۱	۷	۳	۶	۹	۵	۴

متوسط

۹	۵	۷	۴	۱	۲	۶	۳	۸
۴	۲	۱	۸	۶	۳	۵	۹	۷
۶	۳	۸	۷	۵	۹	۴	۱	۲
۳	۸	۴	۱	۲	۶	۷	۵	۹
۵	۹	۲	۳	۷	۴	۱	۸	۶
۷	۱	۶	۹	۸	۵	۲	۴	۳
۸	۶	۳	۵	۴	۷	۹	۲	۱
۱	۴	۵	۲	۹	۸	۳	۶	۷
۲	۷	۹	۶	۳	۱	۸	۵	۴

سخت

۴	۶	۷	۸	۱	۵	۹	۲	۳
۲	۵	۹	۳	۷	۶	۱	۴	۸
۸	۱	۳	۴	۹	۲	۶	۷	۵
۹	۴	۶	۱	۳	۸	۵	۲	۷
۱	۳	۵	۲	۶	۷	۸	۹	۴
۷	۸	۲	۵	۴	۹	۳	۱	۶
۵	۷	۴	۹	۸	۳	۲	۶	۱
۶	۹	۸	۷	۲	۱	۴	۳	۵
۳	۲	۱	۶	۵	۴	۷	۸	۹

خیلی سخت

۷	۸	۵	۹	۴	۱	۳	۶	۲
۱	۴	۶	۲	۳	۷	۹	۵	۸
۳	۹	۲	۸	۶	۵	۴	۱	۷
۴	۳	۸	۱	۲	۶	۷	۹	۵
۶	۵	۹	۷	۸	۴	۱	۲	۳
۲	۷	۱	۵	۹	۳	۸	۴	۶
۵	۶	۳	۴	۷	۸	۲	۱	۹
۸	۱	۴	۶	۵	۹	۲	۳	۷
۹	۲	۷	۳	۱	۲	۶	۸	۴

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۳۰۰

جدول عادی

افقی:

۱- پوششی برای چرخ خودرو- میوه جالیزی

۲- میوه ترش و شیرین- مارکی بر لپ‌تاپ- گردهمایی، کنگره

۳- مجموعه‌ای از چند جمله مربوط به‌هم- نامدار- کمیابی

۴- پیچ به‌درد نخور- صوت تعجب بانو- ستاره شناس- گریبان لباس

۵- داغ کردن- نوعی ژانر فیلم- از دروس ادبی

۶- شیرینی «اصفهان»- شماره خودرو- بر رودخانه می‌بندند

۷- جنبش- انقباض ناگهانی عضلات- درخت آزاده!

۸- سرزمینی قدیمی- به‌معنای سید و آقا- نزدیک‌تر از همان

۹- ظرف پوستی آب- توصیه‌شده- رسم کننده

۱۰- بلندای قامت- دیگ سرگشاد- بی‌باک، دلیر

۱۱- پادشاه کنونی این کشور عربی «ملک عبدالله دوم» است- درجنگ می‌گیرند- سرخود

۱۲- چاهی در جهنم- فریاد بلند- فلزتمدن- از جنس نی

۱۳- خویشاوندی، قرابت- همان «سفید» است- نقاش «گل‌های آفتابگردان»

۱۴- مدد- شوهرخواهر- نویسنده «حادثه درویشی»

۱۵- این هم نویسنده «گرگ بیابان»- سرمربی تیم «فولاد»

عمودی:

۱- اثری باستانی در «ماسال»- کشوری در بالکان

۲- شبه جزیره اروپایی- هدایت شده- سمت چپ

۳- بدگو- کسی که بیماران را معالجه می‌کند- خاطره‌انگیز خانوادگی

۴- پسر- ورزش چینی- مرطوب- دیوار قلعه

۵- دستیازی- میوه قابل خوردن- پول چشم بادامی‌ها

۶- بگوی قرآنی- تکیه کردن- چراغ محفظه‌دار

۷- بزرگ منشی- رشته و بند- گاو پیشانی سفید مصریان

۸- گر....زشیشه بریزد به جام او/لب بر ندارم از لب یاقوت فام او- شیخ، کهنسال- قریحه و سرشت

۹- پول «چین»- پوست دباغی شده بز- رود «شولوخف»

۱۰- انجمن‌ها، نشست‌ها- پدر از دست داده- مرغ انگلیسی

۱۱- طریق کوتاه- پایتخت «بحرین»- دریک جهت

۱۲- پوشش گیاهی فوتبالی- گاه نماز را باطل کند- جوانمردی- گوالیدن

۱۳- نام دخترانه روسی رایج در ایران- کشکینه- خاتم

۱۴- رایت- شاهزاده- سازی زهی

۱۵- غذای محبوب شب عید- واحد کوچک وزن

جدول ویژه

افقی:

۱- ضمیمه کوتاه و منشعب یاخته عصبی- ازپیشتازان «عمل گرایی»

۲- وهم- مفصل پا- نوعی طوطی

۳- ازتوابع «تهران»- پوششی زنانه- سرسرا

۴- دابه- ابریشم- رضایتبخش و خوب- تلفظ «و»

۵- پول چشم بادامی‌ها- مجموعه آثار نظم و گاه نثر یک شاعر یا نویسنده- بیماری افزایش اسید اوریک در خون

۶- ناقص- درجه درجه- ویتامین جوانی

۷- مدینه سابق- مرکز «میانمار»- نفوذ تدریجی آب

۸- زاد بوم- گوژپشتی- هر نوع گیاه خوردنی

۹- پلاسما- انگل بیماری گال- ثبات و بقا

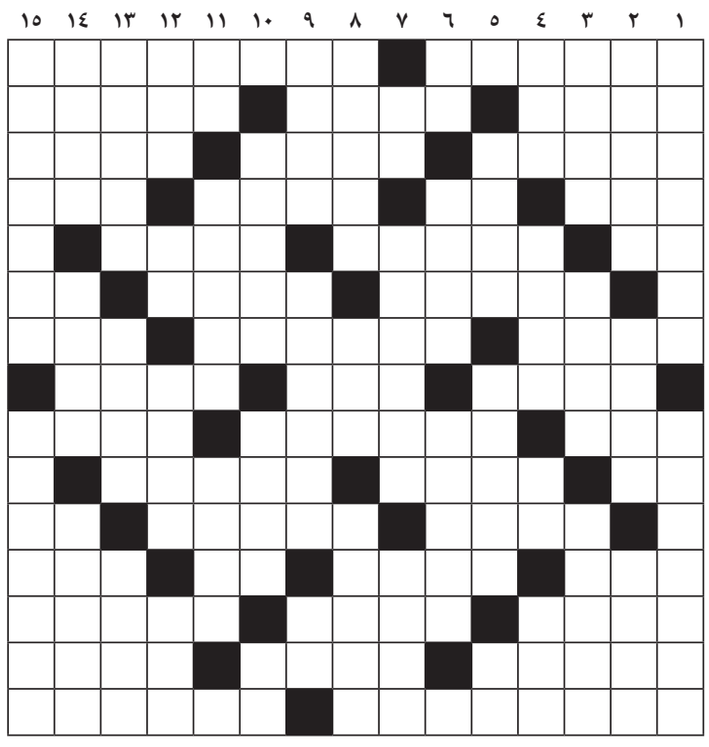

حل جدول عادی شماره ۷۲۹۹

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ف	ا	ر	م	و	ش	■	ب	ر	ج	ق	ب	ر	ا	ن
۲	ا	ل	ا	■	ا	ل	ا	و	■	ا	ی	ن	چ	ا	■
۳	س	ن	ب	و	ق	■	ر	ی	ل	■	ب	ا	ر	■	ن
۴	ت	م	ر	■	د	ا	■	گ	ش	ی	ک	■	ی	ا	ت
۵	و	■	غ	ب	ا	د	■	ه	د	و	■	ی	■	ا	■
۶	ن	ا	ن	م	■	ت	ی	ر	■	ک	ه	ی	■	■	■
۷	ی	ک	ا	ن	■	ب	ا	ل	ک	ا	ل	■	س	■	■
۸	م	ز	د	ا	■	د	ر	■	ا	م	■	س	و	■	■
۹	س	■	ب	ا	م	■	د	ا	■	ب	ر	■	ق	■	■
۱۰	ا	ت	■	ت	م	ی	■	ل	ی	د	ی	ه	■	■	■
۱۱	ی	ه	ت	■	ر	د	■	ت	ا	م	■	■	■	■	■
۱۲	■	ه	■	ا	م	ل	■	ا	و	■	■	■	■	■	■
۱۳	ع	ی	و	■	د	و	ر	■	■	■	■	■	■	■	■
۱۴	م	ه	ی	ا	ر	■	ت	ر	■	■	■	■	■	■	■
۱۵	ر	ن	ه	د	ک	ا	ر	ت	■	■	■	■	■	■	■

حل جدول ویژه شماره ۷۲۹۹

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ف	ا	ر	■	ا	ز	ا	ر	ب	■	ق	ر	ج	ا	ن
۲	ر	و	ا	ل	■	ا	ه	د	ا	■	ا	ی	ن	چ	ا
۳	ا	ب	ن	و	س	■	ق	ی	م	■	ب	ا	ر	ن	■
۴	ف	ا	س	■	ل	ا	■	ه	ر	ت	■	ک	ش	■	■
۵	■	ک	و	ت	■	ا	ه	■	ک	و	ت	■	■	■	■
۶	ن	■	ن	ب	ش	■	ب	ل	ا	■	س	ا	■	■	■
۷	ی	ا	ه	و	■	ا	ر	ک	■	ف	ی	و	■	■	■
۸	■	ک	ا	ف	ر	■	ج	ا	ن	■	ر	■	■	■	■
۹	ب	ی	ر	ک	و	ا	ن	ت	م	■	ق	ا	ن	■	■
۱۰	ر	ب	■	ل	ا	ن	■	ا	ی	د	ی	ه	■	■	■
۱۱	ن	■	م	ه	■	ی	ر	د	■	ت	ا	م	■	■	■
۱۲	■	و	ن	■	ز	خ	■	م	ل	■	ا	■	■	■	■
۱۳	گ	ر	و	ه	■	ا	ی	■	■	■	■	■	■	■	■
۱۴	ا	د	ا	م	س	■	ن	ر	■	■	■	■	■	■	■
۱۵	ن	و	ر	ل	و	ز	ی	■	ت	ن	گ	ر	ا	ه	■